

نیمه‌خرداد سال ۱۳۴۲ طلیعه‌ای تازه در شعر انقلابی ایران رقم زد. خفقان آن ۱۵سال اجازہ نمی‌داد بیوزاند اما پس از انقلاب اسلامی قریحه شاعران به شکلی صریح تر به این سمت پرواز کرده است.

حضرت روح‌الله شعری معروف دارد با این مقطع مشهور:
سال‌های گذرد حادثه‌های آید/انتظار فرج از نیمه‌خرداد کشم

این غزل مشهور امام راحل از این قرار است:
از غم‌دوشت در این میکده فریاد کشم
دادرس نیست که در هجر رخس داد کشم
داد و بیداد که در محفل ما، زندی نیست
شادیم داد، غم داد و جفا داد و وفا

با صفا متن آن را که به من داد کشم
که بزش شکوه بر،م داد بیداد کشم
شادیم داد، غم داد و جفا داد و وفا
عاشقم، عاشق روی تو، نه چیز دیگری
بار هجران ووصالت به دل شاد کشم
در غمت ای گل وحشی من ای خسرو من
چور مجنون بیرم، تیشه فرهاد کشم
مردم از زندگی بی تو که با من هستی
طرفه سژی است که باید بزبیر استاد کشم
سال‌های گذرد، حادثه‌های آید
انتظار فرج از نیمه‌خرداد کشم
واقعہ ۱۵ خرداد الهام‌بخش اشعار زیادی بوده است، نه تنها الهام‌بخش شاعران معاصر بلکه برخی شعرا که اساساً آن دوره زمانی را به لحاظ سنی درک نکرده‌اند نیز دست به سرودن اشعاری در این باره زده‌اند.

از دل مدرسه فیضیه خون می‌ریزد
«رضا نیکوکار»، شاعر، متولد ۱۳۵۶ در رشت است. وی برگزیده برخی کنگره‌های ملی و بین‌المللی شعر بوده و از طبع و قلم او تاکنون مجموعه شعرهای «خواب مشترک» و «باز روزهای قیل» منتشر شده‌اند. قطعه شعری را که او به مناسبت اتفاقات این روز سروده است، می‌خوانیم:

همه‌جا رشت گره کدب تپه فریاد است
وقت با سر به زمین خوردن استبداد است
وقت افتادن رشمه‌ست به جان شب تار
از دل مرد وزن و پیر و جوان رفته قرار
وقت سیولی زن صورت طراری هاست
لحظه معجزه و موعد بیداری هاست
ماه پنهان شده در سیطره هر دو سیاه
«هر که دارد به سرش شور و نوایسم‌الله…»
عشق پیمانه ریخته جنون می‌ریزد
از دل مدرسه فیضیه خون می‌ریزد
اینکه بر خاسته چون سرو سپهر ایران است
همه‌جا صحبت غوغای کفن پوشان است
همه‌جا صحبت این کفن‌خونی می‌آید
«مرده‌ای دل که مسیحانفسی می‌آید»
همه‌جا باز پر از شور و شر می‌گردد
«یک نفر مانده از این قوم که برمی‌گردد»
شب این شهر اگر سرد و اگر تاریک است
اندکی صبر عزیزان! که سحر نزدیک است
فجر بیداست از این فاصله، شب رفتنی است
شاه در مانده و می‌اصل و نسیب رفتنی است
کوچه به کوچه خیابان به خیابان یا ماست
بانگ تکبیر بلند و تب توفان با ماست
مستی جام شراب است ز تاک افتاده
هر شهیدی که چوئان لاله به خاک افتاده
بشمارد در این راه همه سره‌ه‌ارا
فوج در فوج ببینید کبوترها را
تب ققنوس در این طلیفه افتاده ببین!
همه‌جا پر شده از عاشق و دل‌داده‌ببین!
سوخن در سفر عشق چه شوری دارد
پس از این حادثه خورشید چه نوری دارد
خاک پر گوهر و از لاله لیلالب داریم
دست بگزار به پیشانی ما، تب داریم
تب عشق است که افتاده به جان همه‌مان
جان‌مان هم به فدای وطن ما ایران

■ **علیرضا خالقی**

علیرضا خالقی نقاش یکی از اولین پرتره‌های امام خمینی (ره) است که مدت‌ها در صف اول راهپیمایی‌ها حمل می‌شد و بسیاری از کسانی که در سال‌های انقلاب حضور داشتند، چهره ایشان را همین تصویر شناختند. به نقل از متن کتاب انقلاب رنگ‌ها(خاطرات شفاهی علیرضا خالقی)، گفته آیت‌الله خنامه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این اثر آمده است که: «…عکس بزرگی از امام(ره) ساخته شده بود که طولش ۱۶ یا ۱۷ متر بود و به همین تناسب عرض داشت. این را همیشه جلوی راهپیمایی‌ها حرکت می‌دادند و می‌بردند. دوستان می‌گفتند، این مثل علامت مخصوص بنی‌اسرائیل است که در هر جنگی این را با خودشان می‌بردند، پیروز می‌شدند. آن روز هم (۹ دی ۱۳۵۷) که این عکس بزرگ را با خودمان حمل می‌کردیم، دل‌های‌مان قوی بود که امروز هم حادثه‌ای پیش نمی‌آید.»

در بین نقاشانی که بعد از انقلاب به نقاشی پرتره از امام پرداخته‌اند، «کیخسرو خورش» و «غلامعلی طاهری» دو هنرمندی هستند که بیشترین نقاشی‌ها را از چهره امام خمینی(ره) تهیه کردند و نقش مهمی در پیوند هنر با این شخصیت بزرگ تاریخ سیاسی ایران داشتند.

منبع:فارس
کفت‌و‌گو
معمومه‌طاهری
دستی می‌داند. صنایع دستی بخشی از بازل تمدن کهن ایرانیان است که مانند مهر و نشانی مشخص ما را از دیگر ملل متمایز می‌کند. یکی از این صنایع شبکه‌کاری است. حبیب‌الله عبادی، هنرمند شبکه‌کار و علامت‌سازی است که سال‌های زیادی کنج کار گاه قدیمی خود به این هنر اصیل ایرانی و قدیمی مشغول است، به گونه‌ای که از کشورهای دیگر نیز خواستار تولیدش هستند و به او سفارش سر کار می‌دهند. «جوان» با وی گفت‌وگو کرده است.
■ ■ ■

برخی شبکه‌کاری را با مشبک‌کاری اشتباه می‌گیرند. تفاوت‌های این دو هنر را توضیح می‌دهید.
در مشبک روی فلز هم شباهت با شبکه‌کاری وجود دارد اما مسیر کار متفاوت است. شبکه‌کاری یک کار متنوع و سنتی است که قدمت بیشتری دارد و از سال‌های خیلی دور بین ایرانیان رواج داشته و به نوعی مقبول همه‌اقلش بوده است، چون فلز کاربرد زیادی در ماندن تیغ‌های علامت‌ها، صندوقچه‌های مختلف و قفل، ما طرح مورد نظر را می‌کشیم، بعد روی آن رنگ مخصوصی می‌زنیم و در اسید می‌گذاریم بعد از چند دقیقه رنگ‌ها می‌تراشیم و کار نمایان می‌شود.

شبکه‌کاری در یک کارگاه در تهران. این هنر اصیل و سنتی از سال‌های بسیار دور توسط ایرانیان ابداع و دنبال شده است.

نگاهی اجمالی به برخی سروده‌ها با موضوع نیمه‌خرداد

این فصل را با من بخوان باقی فسانه است



تالبد تنگ از این حادثه برمی‌خیزد
نرود هیچ ز یاد
خون زند جوش هنوز
در تن پاک شهیدان غیور
خون آن مردم آزاد نینتند از جوش
آری این شعله ننگ‌زد خاموش
هرگز آرام نگیرد این موج
تازین برکنند ریشه بیداد سیاه
به امید آن روز…

قسم به جان خمینی، زعیم شرع‌مدار
«محمدعلی صادی» با استفاده از آیات و روایات و با به‌کار بردن نمادهایی مانند «شهید» که پیش از این در شعر فارسی کمتر به چشم می‌خورد، به روایت از روز ۱۵ خرداد و قیام مردمی این روز بزرگ پر از بحث.
«قسم به جان خمینی، زعیم شرع‌مدار
به هروان حقیقت، به حرمت احرار
به خون پاک شهیدان راه آزادی
به حق هر که کند باستمگران، پیکار
به مادری که جگر گوشه‌اش به خون غلتید
به کودکی که کشمش، مسلسل اشراز
که شاه خائن بیدادگر، اگر از کین
هزار مرتبه کشنار را کند تکرار
ز دودمانی و جمله جیره‌خوارانش
به انتقام شهیدان برآوریم دمار»
■ ■ ■



گروهی از جوانان در جریان تظاهرات ۱۵ خرداد ۱۳۵۷

گفت‌و‌گوی «جوان» با هنرمند شبکه‌کار

«شبکه‌کاری» هنری از دل صفویه تا اکنون



مراجعه می‌کنند. ماه به غیر از معازه در فضای مجازی هم فعالیت داریم که هر بار تعداد زیادی بازدید دارند.

صادراتی هم در حوزه شبکه‌کاری داشته‌اید؟

بله جالب است بدانید به غیر از کشورهای عربی و خاورمیانه، از اروپا و امریکا و استرالیا هم مشتاق محصولات شبکه‌کاری هستند و سفارش زیادی هم داشته‌ایم، مثلاً هیئتی در استرالیا و پیش از آن در عراق و سوئد به ما سفارش کار دادند.

همه از جای خود خروشدند تا که از بند هم

شوند آزاد
ملتی که برای آزادی از خدا کرده بود استمداد
تا کنند باری ولی فقیه شد خروشان علیه
استبداد
تا قیام امام برپا شد خون به پا کرد شاه بد بنیاد
از جنایات آن پلید لعین کشته‌ها پشته روی
هم افتاد
شد سرانجام کار پیروزی نعمتی را که حق
تعالی داد
گشت تفسیر سوره و الفجر آیه «یک
لیلمرصاد»

از وجود امام و خون شهید زنده دین گشت و
کشورم آباد
یاد ارم من از شهیدانی که خدا عزّ‌شنان به
عالم داد
تالبد زنده‌اند و جاویدان نام آنها نمی‌ود از یاد
ما همه رهرو شهیدانیم پیرو رهبریم و مرد
جهاد
کی ششود مهدی از سفر آید تا که گرد
حکومتش ایجاد
ناطقا تا نفس تو را باقی است از شهیدان حق
نمائشاد
صلوات و درود بی پایان بر امام و همه شهیدان
یاد

مرتضی نوربخش سال‌ها پیش درباره اشعاری که پیش از انقلاب اسلامی با موضوع قیام ۱۵ خرداد سروده شده‌اند، پژوهشی انجام داده است. او می‌نویسد: صرف‌نظر از فقر منابع، با «ثبات‌ای مهمین فرزانه رهبر!» سخن را می‌افزاید شوکت و فر ز دیده رفتی و در دل نشستی
شدی تبعیداگر مانند بوذر
از این گلشن نسیم آس‌چه رفتی
ببرس این باغ را آمد چه بر سر
تورا هر دره این پاسخ بگوید
که داد از جور این شاه‌ستمگر»

«غلامرضا محمودنژاد» از شاعران آیینی معاصر است که پس از انقلاب اسلامی و در آستانه دهه چهارم انقلاب قصیده‌ای را در وصف امام خمینی (ره) و قیام ۱۵ خرداد سروده است.
دکتر سیدعلی موسوی گرامرودی که در بحر رمل ششم محذوف سروده شده است: «گفته
که داد از جور این شاه‌ستمگر»
بودی مهرمانم خفته در گهوار هاند /من یکی
زان خفتگان با توبتک بر کرده سر» که تلمیحی است از سخن امام راحل در خرداد ۱۳۴۴ که فرموده بودند: «همراهان منن در گهوارها خوابیدماند» یا مجموعه‌هایی که از خاطرات مبارزان آن سال‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به چاپ رسید. در دهه ۴۰ به خاطر یقظه و بیبری‌ای که باقیام ۱۵ خرداد پدید آمد و به عبارتی ترس مردم از رژیم فرو ریخت، شعر رماتیکی در قالب نینسز در قالب مثنوی بلند یا خواسته تبدیل به شعر مبارزه‌جو شد، اما عاری از صراحت لندن.

مانند شعر «ای، خاکستری، سیاه» حمید مصدق در قالب نیمیایی که در سال ۱۳۴۴ سروده شد و در آن دهه ورد زبان خاص و عام و شاعر دانشجویان در تظاهرات سیاسی بود که:
تو اگر بر خیزی!
من اگر بر خیزم
مردی صفای صحبت آینه‌بد دین
همه برمی‌خیزند.
تو اگر بنشیننی!

من اگر بنشینم
چه کسی بر خیزد؟
چه کسی با دشمن بستیزد؟
چه کسی پنجه در پنجه هر دشمن در آورد؟
دشت‌ها نام تو را می‌گویند
کوه‌ها شعر مرا می‌خوانند
کوه باید شد و ماند
رود باید شد و رفت
دشت باید شد و خواند

یا شعر «حماسه آرش» مهرداد اوستا که چهار پارهای است یا این شروع:
بیابان در بیابان دشت در دشت
بلا بود و بلا خوش بود و خون بود
زادی‌ها به وادی‌ها روانه
هوای وهم خیز و آبگون بود
■ ■ ■

در ادامه به ابیاتی اشاره می‌شود که در آنها صریحاً به موضوع ۱۵ خرداد اشاره شده است. «ضیاءالدین ترائی» اینطور سروده است:

خونی که در فیضیه بر خاک وطن ریخت
چون چشمه‌ای جوشید و بر دشت و دمن ریخت
«سروده سیدحسن حسینی» از این قرار است:
خورشید تبعیدی به زندان افق بود
شب در هجوم پال خفاشان قرق بود
جز لاله‌های خون در آن مسلخ نمی‌رست
در نای‌ها حتی گل آوخ نمی‌رست
بینی از شعر «سپیده کاشانی» نیز از این قرار است:
شکفت از دل شب مهر نیمه‌خرداد
بر آمد از شب و مهر امیدواران بود
«صنام کاشانی» هم اینگونه سروده است:
سخن ز لعل گهرا قرین پیرمراد
فروغ زندگی از نوبه ملک هستی داد
که انقلاب جهانگیر ما تراوش یافت
ز جوش چشمه خون‌زنگ نیمه‌خرداد
«ابیاتی از علی مرادی غیاث‌آبادی در این باره اینگونه است:

آفتاب عشق در زنجیر بود
آسمان زندگی دلگیر بود
در سکوت ظلمت، آوایی اگر
می‌شنیدی ناله شکیمی بود
«محمدرضا حکیمی» به این شکل این واقعه را به نظم در آورده است:

صد آفرین به روح خمینی و نهضتش
کاینگونه خلق را به جهادی گران کشید
خشم مقدس همه آزادگان شرق
از جان پر خروش تو این سان زبان کشید
ای بت شکن که شور تو این خلق خفته را
بیرون ز خواب خویش چوسیل دمان کشید
کو تا تو را زمانه شناسد که کار تو
یکباره و به چه جرگه پیغمبران کشید
«ساعداقاری» نیز چنین سروده است:
سباین قیون باز در کار بستند
میان تن و روح دیوار بستند
هراس از دم گرم خورشید کردند
شب‌گاهش از ملک تبعید کردند
«مشفق کاشانی» نیز شاعری است که نیمه‌خرداد را اینگونه به نظم در آورده است:
به رستاخیز بیوالمه روحانیت ایران
جهان خفته را بر کرد از خواب گرانجانی
امام راستین، روح خدا یعنی خمینی را
به خشم آمد دل پر مهر چون دریای توفانی
علی محمد دامغانی نیز در قالب مثنوی بلند هجرت درباره ۱۵ خرداد چنین سروده است:
این فصل را با من بخوان باقی فسانه است
این فصل را بسپار خواندم عاشقانه است
در رستاخیز جوانان زنگ خفاش بر دهن زدند
پنداشتی خود از زوها مرده بودند
دیدم شبان خفته را ابتدار دیدم
بر خفته شب، شبروی بیدار دیدم
مردی صفای صحبت آینه‌بد دین
از روزن شب شوکت دیرینه دین
مردی تذر و کشته را پرواز داده
اسلام را در خامشی آواز داده
کای عالمی اشفته چند اشفتن تو
گیتی فرو از فتنه تا کی خفتن تو

.....
فیض ازل بر گفت رهبر دل گم‌مارید
خون شده به رنگ ابر و در فیضیه بارید
مردان روحانی به میدان با نهادند
آنک جواب عشق را مرده‌اند دادند
.....
زان تابکاری‌ها که قم را سوخت بکسر
فیضیه‌ها سوز او فروخت بکسر
اشاره به واقعه ۱۵ خرداد در اشعار شاعران دیگری نیز بروز و ظهور داشته است که ذکر آن در حوصله این متن نیست اما آنچه مشهود است اینکه پر اکندگی این اشعار در سروده‌های بسیاری از شاعران دلباخته انقلاب اسلامی مشهود است و اقتضای زمان سبب شده است در قالب‌ها و شیوه‌های شعری مختلف نمود پیدا کند.

تجسمی



شکوه و ثبات

در پرتره‌های امام

در سال‌های انقلاب و بعد از آن، پرتره امام خمینی(ره) موضوع بسیاری از آثار نقاشان کشور بوده است که نتایج برخی از آنها نداعی‌کننده شکوه و ثبات پرتره‌های کلاسیک تاریخ هنر هستند.

نقاشی چهره (پرتره) یکی از گزیننده‌های محبوب هنرمندان نقاش و مخاطبان آنها در طول تاریخ بوده است. از دوران رنسانس به این سو تمرکز بر شخصیت اجتماعی و قدرت و نفوذ مدل‌ها در پرتره‌های اراقل و هانس هولباین، درون کالو رامبراند، پرتره‌سازی‌های ونگوگ و در دوران معاصر هم پرتره‌های فریود و بیکن همواره یکی از جریان‌های اصلی هنر بوده است. با نگاهی به تاریخ هنر آشکار می‌شود پرتره‌سازی یکی از سنت‌های مهم تاریخ نقاشی بوده است.

ژان‌های پرتره و طبیعت بی‌جان از اولین ژان‌هایی بود که هنرمندان ایرانی تلاش کردند در آنها ذوق آزمایی کنند. آنها را بررسی‌ای که از آثار به دست آمده به عمل درک کنند. طبیعت بی‌جان دو مسیر، تصویر بازنمایانه از نقاشی پرتره سابقه‌ای دیرین دارد و چهره‌نگاری شخصیت‌های سیاسی و تاریخی در ایران شاید پیشینه‌اش با اعصار پارسی و پارتی برسد. در دوران قاجار چهره‌سازی از شاه و سیاستون و درباریان سطح و ابعاد متفاوتی به ژانر پرتره داد.

کمال‌الملک و مسافر دانش هم به ژانر پرتره علاقه‌ای ویژه داشتند و شیوه‌سازی در این ژانر به نوعی بیانگر میزان تبحر و توانایی تکنیکی بود. در ادامه شاعران کمال‌الملک کمی پیش رفتند و سعی کردند پرتره‌هایی که خلق می‌کنند در نقش‌های اجتماعی‌شان قابل تعریف باشد. آنها در این مسیر به نقاشی از کسبه یا چهره‌سازان از تیب‌های کوچک و بازار روی آهودند. با متناول شدن دوربین، عکاسی وظیفه تیب‌نگاری را به عهده گرفت و هم‌زمان استانداردهای قضاوت شیوه‌سازی را بالا برد. در جریان نوگرایی مسئله کاملاً تغییر کرد و ژانر پرتره ربه افول رفت.

نه تنها در جریان نوگرایی ایران بلکه به صورت کلی در دوره مدرن، ژانر پرتره تا حدی به حاشیه می‌رود. در معبود پرتره‌های جریان نو، نقاش، از درگیری با شیوه‌سازی خود را رها و به سادگی‌سازی روی می‌آورد. نوگرایان کمتر توانستند پرتره‌سازی را به مفهوم کلاسیک و فریدت‌سوز گره بزنند که چهره‌سازی‌های شای بیشترین خصلت‌هایی برای هویت‌های جمعی را جستجو می‌کردند. ناگفته نماند هنرمندان نوگرا در ابتدای جست‌وجوهای خود و از همان اولین نسل‌شان پرتره‌نگاری را تجربه می‌کردند و برخی از این‌ان آثار دارای خصلت‌ها و ویژگی‌های قابل اعتنایی است. حدود سال‌های انقلاب، ژانر پرتره رونقی دوباره گرفت و چهره‌سازی برای بیان عواطف و باورها ضروری به نظر می‌رسید. فردیت چهره‌ها کمتر کشی و ویژگی‌های شخصیتی در قالب پرتره‌های سبلیک فروزنی یافت. از اواسط دهه ۷۰ همراه با موج تکثر گرایی هنر معاصرانه جدیدی از نقاشی فیکو-رئیسو به حرکت درمی‌آید که در تاریخ پرتره‌سازی بسیار برجسته است. در برخی آثار ویژگی‌های تکنیکی و زیبایی‌شناختی آن کار ماده مسئله شد و در برخی موضوعات اجتماعی اهمیت می‌یابد. در بعضی آثار نقاش قصد دارد به شیوه‌های بیانگر برسد و در بعضی آثار دوباره شباهت‌سازی دغدغه می‌شود.

در تاریخ پرتره‌سازی می‌توان سال‌های انقلاب را به عنوان یک نقطه عطف در نظر گرفت، چرا که بعد از آن نقاشی چهره رونق بسیاری گرفت. بر همین اساس نقاشی پرتره امام خمینی(ره) موضوع بسیاری از آثار نقاشان کشور بوده است که نتایج برخی از آنها شکوه و ثبات پرتره‌های کلاسیک تاریخ هنر را دارند. آثاری که در ادامه می‌آید نمونه‌هایی از تلاش‌های صورت‌گرفته در ژانر نقاشی پرتره ایران است که در آنها نقاش تلاش کرده است شکوه و عظمت جایگاه امام خمینی (ره) را به شکل دقیق و درستی نمایش دهد. در چشم‌اندازی کلی برخی از آنها مرور می‌شود.

■ **علیرضا خالقی**

علیرضا خالقی نقاش یکی از اولین پرتره‌های امام خمینی (ره) است که مدت‌ها در صف اول راهپیمایی‌ها حمل می‌شد و بسیاری از کسانی که در سال‌های انقلاب حضور داشتند، چهره ایشان را همین تصویر شناختند. به نقل از متن کتاب انقلاب رنگ‌ها(خاطرات شفاهی علیرضا خالقی)، گفته آیت‌الله خنامه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این اثر آمده است که: «…عکس بزرگی از امام(ره) ساخته شده بود که طولش ۱۶ یا ۱۷ متر بود و به همین تناسب عرض داشت. این را همیشه جلوی راهپیمایی‌ها حرکت می‌دادند و می‌بردند. دوستان می‌گفتند، این مثل علامت مخصوص بنی‌اسرائیل است که در هر جنگی این را با خودشان می‌بردند، پیروز می‌شدند. آن روز هم (۹ دی ۱۳۵۷) که این عکس بزرگ را با خودمان حمل می‌کردیم، دل‌های‌مان قوی بود که امروز هم حادثه‌ای پیش نمی‌آید.»

در بین نقاشانی که بعد از انقلاب به نقاشی پرتره از امام پرداخته‌اند، «کیخسرو خورش» و «غلامعلی طاهری» دو هنرمندی هستند که بیشترین نقاشی‌ها را از چهره امام خمینی(ره) تهیه کردند و نقش مهمی در پیوند هنر با این شخصیت بزرگ تاریخ سیاسی ایران داشتند.

منبع:فارس
کفت‌و‌گو
معمومه‌طاهری
دستی می‌داند. صنایع دستی بخشی از بازل تمدن کهن ایرانیان است که مانند مهر و نشانی مشخص ما را از دیگر ملل متمایز می‌کند. یکی از این صنایع شبکه‌کاری است. حبیب‌الله عبادی، هنرمند شبکه‌کار و علامت‌سازی است که سال‌های زیادی کنج کار گاه قدیمی خود به این هنر اصیل ایرانی و قدیمی مشغول است، به گونه‌ای که از کشورهای دیگر نیز خواستار تولیدش هستند و به او سفارش سر کار می‌دهند. «جوان» با وی گفت‌وگو کرده است.
■ ■ ■

برخی شبکه‌کاری را با مشبک‌کاری اشتباه می‌گیرند. تفاوت‌های این دو هنر را توضیح می‌دهید.
در مشبک روی فلز هم شباهت با شبکه‌کاری وجود دارد اما مسیر کار متفاوت است. شبکه‌کاری یک کار متنوع و سنتی است که قدمت بیشتری دارد و از سال‌های خیلی دور بین ایرانیان رواج داشته و به نوعی مقبول همه‌اقلش بوده است، چون فلز کاربرد زیادی در ماندن تیغ‌های علامت‌ها، صندوقچه‌های مختلف و قفل، ما طرح مورد نظر را می‌کشیم، بعد روی آن رنگ مخصوصی می‌زنیم و در اسید می‌گذاریم بعد از چند دقیقه رنگ‌ها می‌تراشیم و کار نمایان می‌شود.

فرهنگی